

اتحادیه اروپا و مدیریت موضوع هسته‌ای ایران: تجزیه و تحلیل روندها و آینده پژوهی منافع

بهزاد خوش اندام*

چکیده

روابط ایران و اتحادیه اروپا متأثر از موضوع هسته‌ای ایران در هزاره سوم میلادی و به خصوص از سال ۲۰۰۳ به بعد دچار گسست‌ها، چالش‌ها و رکود زیادی بوده است. این در حالی است که در چشم‌انداز پیش رو هر دوی این بازیگران دارای جایگاه، هویت و اهمیت ویژه‌ای در ساختار نظام بین‌المللی می‌باشند. تجزیه و تحلیل روندهای موجود در روابط این دو کنشگر برای سیاست‌خارجی جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای دارد. به خصوص اگر از منظر آینده‌پژوهی تعاملات ایران با قطب‌های جهانی موضوع را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، روابط آینده ایران با اتحادیه اروپا برای منافع و اهداف راهبردی دو طرف در عرصه بین‌المللی دارای پیامدهای زیادی خواهد بود. در مقاله حاضر سعی شده است در مرحله نخست، جایگاه روابط این دو بازیگر در جهان فرارو با توجه ویژه به جایگاه موضوع هسته‌ای ایران در سیاست‌های اتحادیه اروپا در طول یک دوره زمانی بیش از ده سال مورد بررسی تبارشناسانه و آسیب‌شناسانه قرار گیرد. سپس سعی شده است با بررسی ادبیات نظری روابط بین‌المللی، متغیرهای مؤثر در روابط فعلی و آتی دو طرف تحلیل شود. بررسی نیروهای پیشران در روابط آینده ایران و اتحادیه اروپا و بررسی سناریوهای پیش روی روابط دو طرف مبتنی بر نیازها و اهداف سیاست‌خارجی هر دو بازیگر از دیگر موضوعات مورد بررسی در مقاله پیش‌رو به‌منظور ارائه راهبردهایی در این حوزه موضوعی مهم سیاست‌خارجی ایران است.

واژگان کلیدی

واقع‌گرایی، سازه‌نگاری، سیاست‌خارجی ایران، اتحادیه اروپا، آینده‌پژوهی، تعامل سازنده، نیروهای پیشران

* دانشجوی دوره دکتری تخصصی روابط بین‌الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Email: behzadkoshandam@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۵/۲۷

تاریخ ارسال: ۹۳/۱۱/۳۰

فصلنامه راهبرد/ سال بیست و چهارم/ شماره ۷۵/ تابستان ۱۳۹۴/ صص ۸۳-۵۳

جستار گشایی

در اواسط سال ۲۰۱۴ موضوع روابط ایران با اتحادیه اروپا^(۱) یکی از مهم‌ترین دستورکارهای^۱ سیاست خارجی ایران است. سیاست خارجی ایران در سال‌های پیش‌رو، چاره‌ای جز تعامل و ایجاد ارتباط با مجموعه امنیتی اتحادیه اروپا^۲ به‌عنوان یکی از دارندگان مهم فناوری، دانش و بازار عظیم واردات و صادرات ایران ندارد. از منظر ایران، چندجانبه‌گرایی^۳، تلاش مستمر و لزوم دستیابی به راه‌حل‌های مشترک برای معضلات مشترک در زمانی که هنوز نظم بین‌المللی بعد از جنگ سرد نهادینه نشده، از نیازهای جهان امروز است (Zarif, 2014) که در این میان، اتحادیه اروپا نقش مهمی را داراست.

اگرچه ابهام‌ها^۴ و پیچیدگی‌های^۵ مربوط به آینده کنش "اتحادیه اروپا"^(۲) در سیاست جهانی با پرسش‌های مهمی مواجه است، ولی این یک واقعیت غیرقابل انکار است که قطع نظر از آینده، اتحادیه اروپا به دلیل موفقیت‌هایش در وحدت‌بخشی فرهنگی، سیاست‌های متفاوت و ایجاد یک هویت اروپایی، چشمگیرترین سازمان بین‌المللی است (پیس، ۱۳۸۴: ۷۲-۷۳).

بنابر همین ملاحظات، سیاست خارجی فعال و پویای جمهوری اسلامی ایران در چشم‌انداز فرارو و به‌خصوص مبتنی بر اسناد راهبردی مهمی همانند سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور نگاهی عمیق و چندوجهی به اتحادیه اروپا در عرصه بین‌المللی دارد. در این راستا و در جهت تحلیل وضعیت آینده این دو بازیگر در مرحله نخست باید وضعیت و جایگاه آنها در نظام بین‌الملل کنونی مشخص شود. در مرحله بعدی باید مهم‌ترین موضوع چالشی محدودیت‌زدا در روابط این دو بازیگر که موضوع هسته‌ای ایران است، مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد تا در مرحله بعدتر، مهم‌ترین دغدغه‌ها، تحولات، نقاط عطف و تحول‌ساز در روابط این دو بازیگر و همچنین عناصر ماهوی، پایدار، مؤلفه‌های غیرپایدار و متغیر در روابط این دو بررسی شوند. بنابراین در جهت دستیابی به عمده‌ترین گزاره‌های محدودیت‌زدا در روابط این دو کنشگر بر مبنای سناریوهای احتمالی که در روابط آنها احتمال وقوع دارد، باید موضوعاتی همانند جایگاه ایران در اتحادیه اروپا در فرایندهای پیش‌رو، دغدغه‌های ایران و اتحادیه اروپا در مذاکرات

-
1. Agenda
 2. European Union Security Ciomplex
 3. Multilateralism
 4. Ambiguities
 5. Complicities

هسته‌ای، تحول روابط ایران و اتحادیه‌اروپا از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵، به‌علاوه مهم‌ترین نقاط عطف^۶ در روابط ایران و اتحادیه‌اروپا بررسی شوند.

بنابراین پرسش اصلی مقاله این است که موضوع هسته‌ای ایران در سیاست‌های اتحادیه‌اروپایی در تحلیلی آینده‌پژوهانه چه جایگاهی دارد؟ در پاسخ به این پرسش، می‌توان سناریوهای چندگانه‌ای را متصور شد که عمده این سناریوها "سناریوی تعامل سازنده"، "سناریوی مدیریت خارجی"، "سناریوی فروپاشی" و "سناریوی ادامه همکاری و رقابت" است. بنابراین موضوع هسته‌ای ایران متغیر مستقل و روابط ایران و اتحادیه‌اروپا متغیر وابسته این مقاله هستند.

عناصر ماهوی و متغیر تأثیرگذار در روابط ایران و اتحادیه‌اروپا، سناریوها و آینده‌پژوهی^۷ روابط ایران و اتحادیه‌اروپا و توصیه‌هایی برای ارتقای روابط دو کنشگر از دیگر موضوعاتی است که در این راستا مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. چارچوب مفهومی: تحلیل جایگاه ایران و اتحادیه‌اروپا در نظام بین‌الملل از منظر واقع‌گرایی و سازه‌انگاری

ایران و اتحادیه‌اروپا دو بازیگر مهم نظام بین‌المللی آینده هستند. این موضوع مورد اذعان بسیاری از کارشناسان مطرح و نهادهای بین‌المللی است (خارقانی، ۱۳۸۸ و آبراهامیان، ۱۳۹۱). شاید بتوان دیدگاه‌های اصلی در مورد نقش و جایگاه بین‌المللی اتحادیه‌اروپا را در قالب دو طیف کلی از نظریات روابط بین‌الملل دسته‌بندی کرد. از یک‌سو، نئورئالیست‌هایی همچون کنت‌والترز^۸ و جان مرشهایمر^۹ اتحادیه‌اروپا را بازیگری فاقد تأثیرگذاری لازم و عدم برخوردار از ویژگی‌های یک "قدرت بزرگ" ارزیابی می‌کنند.^(۳) در مقابل، افرادی همچون کالن اسمیت^{۱۰}، جان مانرس^{۱۱} و هلن ژورلسن^{۱۲} با ارائه تعریف نوینی از قدرت، اتحادیه‌اروپا را یک بازیگر بین‌المللی مؤثر قلمداد می‌کنند (قوام و کیانی، ۱۳۹۰: ۳۱۵). با توجه به استدلال‌ها و مفروضه‌های حوزه مطالعات نظری واقع‌گرایانه و سازه‌انگاری در رشته تخصصی روابط

6. Turning Point

7. Futurology

8. Kenth Walth

9. John Mershhimer

10. Kalen Smith

11. John Manres

12. Helen Jourlsen

بین‌المللی^{۱۳} و مبتنی بر مدل و روش‌شناسی آینده‌پژوهانه می‌توان جایگاه، روند و آینده این دو کنشگر را به‌لحاظ ماهوی و همچنین تعاملات میان دوطرف در نظام ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی از منظرهای ذیل مورد بررسی و تحلیل قرار داد. شایان ذکر است که از منظر رویکرد مطالعاتی رئالیسم درک ماهیت، ساختار، سازوکارها و پویای قدرت در سیستم بین‌المللی و ظرفیت‌ها و محدودیت‌های نهادها دغدغه اساسی است (Zarif, 2014). رویکرد سازه‌نگاری نیز به‌عنوان مکمل نظری این مقاله به منظور تبیین^{۱۴} موضوع پژوهش، به بررسی و تحلیل نقش هویت‌ها، هنجارها، آگاهی‌ها و شناخت در تحلیل روابط بازیگران براساس کنش ساختار و کارگزار و رابطه بین‌الذهانی می‌پردازد. از منظر این رویکرد نظری، «آگاهی بشری» و نقشی که در روابط بین‌الملل دارد، باید مهم تلقی شود (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۲۶).

بنابراین چارچوب نظری این پژوهش تلفیق از دو رویکرد واقع‌گرایی و سازه‌نگاری است که ضمن تأکید بر جایگاه هر دو بازیگر در نظام بین‌الملل و سلسله‌مراتب قدرت، بر هنجارها و نقش سازه‌های معنایی شکل‌دهنده به روابط ایران و اتحادیه‌اروپا و عوامل غیرمادی تأثیرگذار بر آن نیز توجه دارد.

۱-۱. ساختار، موازنه و هنجارهای بین‌المللی

ایران به دلایل ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئوفرهنگی و همچنین موضوع انرژی ازجمله بازیگران عمده در ساختار جهانی به‌لحاظ موازنه‌آفرینی و تأثیرگذاری بر روندهای هنجارسازی در عرصه بین‌المللی است (Has, 2008 and Fuller, 1979). نقش مؤثر ایران در این زمینه مورد تأیید اکثریت کارشناسان این حوزه است. حتی برخی از نظریه‌پردازان ارشد مکتب رئالیسم، دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای را جهت متوازن‌سازی ساختار نظام بین‌المللی و نظم‌آفرینی در جهان پیشنهاد کرده‌اند^(۴) (Waltz, 2012) که البته مورد انتقادات جدی هم واقع شده است (Kahl and Waltz, 2012). نقش اتحادیه‌اروپا نیز در جهان فعلی مهم و اثرگذار تلقی می‌شود. به‌ویژه اهمیت اتحادیه‌اروپا در ساختار بین‌المللی را باید معطوف به تلاش در جهت ایجاد جهانی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی مؤثر^{۱۵}، نظم مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های جهانی و حفظ موازنه بین‌المللی مورد تحلیل قرار داد. اکثر شاخص‌ها و نظریات موجود پذیرفته‌شده جهانی، اهمیت

13. International Relations Discipline

14. Explain

15. Effective Multilateralism

کنش اروپا را در نظام بین‌المللی آتی به‌لحاظ اثرگذاری در ساختار بین‌المللی و اهمیت هنجارسازی، نقشی قابل توجه ارزیابی می‌کنند.

۱-۲. تأمین نیازها و خواسته‌های جهان فرارو

ایران به‌عنوان یک کشور دارای سیاست‌خارجی بی‌طرف در عرصه نظام بین‌المللی و اتحادیه‌اروپا به‌عنوان مظهر مکالمه سنت‌های هابزی و کانتی و نماد همزیستی سیاست قدرت‌محور وستفالیایی و هنجارگرایی پسوستفالیایی (مولایی، ۱۳۸۹: ۱۳۴) می‌تواند شرکای بین‌المللی اثرگذاری برای اکثریت قطب‌های جهانی در تأمین نیازهای فلسفی، اقتصادی، انرژی، حقوق بشری، امنیتی، علمی و فناوری بشر آینده باشند. به‌ویژه، نقش‌آفرینی ایران معطوف به مشخصات انرژی و نقش‌آفرینی اتحادیه‌اروپا عمدتاً معطوف به نیازها و خواسته‌های اقتصادی، تجاری و حقوق‌بشری است. تأمین این نیازها نقش این دو بازیگر را در عرصه تعاملات جهانی فرارو افزایش خواهد داد.

۱-۳. تأمین امنیت و نظم بین‌المللی

ایران به‌دلیل قرارگرفتن در یکی از عمده‌ترین حوزه‌های استراتژیک جهانی و دارابودن اکثریت شاخصه‌های مربوط به ثبات‌سازی و امنیت‌آفرینی، یکی از مهم‌ترین بازیگران آتی تأمین حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است (امیدی، ۱۳۸۷: ۳۵۴). در نقطه مقابل، اتحادیه‌اروپا نیز به‌دلیل متغیرهای زیادی می‌تواند در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اثرگذار باشد.^(۵) اگر این نکته را مورد توجه قرار دهیم که هر دوی این بازیگران از بی‌ثباتی در نظام بین‌المللی تا چه حد متضرر خواهند شد، اهمیت ثبات‌سازی و ثبات‌جویی برای آنها مشخص‌تر خواهد شد.

۱-۴. نقش این دو بازیگر در ائتلاف‌بندی و اتحادهای جهان فرارو

اگرچه روندهای بین‌المللی در ارتباط با آینده نظم جهانی مشخص نیست، ولی این نکته را نمی‌توان فراموش کرد که ائتلاف‌ها و اتحادهای جهانی در تعیین ماهیت و نظم آتی نقشی مؤثر خواهند داشت. بسیاری از کارشناسان معتقدند قرارگرفتن هر کدام از این کنشگران در ائتلاف‌های آتی جهانی، تأثیراتی را بر ساختار و نظم بین‌المللی آینده خواهند داشت. بر این مبنای «اتحادیه‌اروپایی را می‌توان عاملی مهم در برقراری توازن سیاسی جهانی تلقی کرد» (رحمانی و تائب، ۱۳۷۵: ۱۳۷). در مقابل، الگوی رفتاری راهبردی سیاست‌خارجی ایران درصدد دستیابی به هدف موازنه‌سازی، متعادل‌سازی و همکاری‌گرایی در حوزه تعاملی با توجه به مقوله بی‌طرفی در سیاست‌خارجی است.

۱-۵. تنظیم دستورکار^{۱۶} هویتی و مسئله‌محور^{۱۷} جهان فرارو

دستورکار جهان آینده متأثر از موضوعات هویتی و مسئله‌محور خواهند بود (Smith, 2006). سناریوهای متفاوت در نوع قرارگرفتن این دو بازیگر در اتحادها و وضعیت نظم آینده در تنظیم دستورکار جهانی مؤثر خواهد بود. اتحادیه‌اروپا بنابر نیازهای هویتی سعی خواهد کرد دغدغه‌های ارزشی-هویتی خاص خود مبتنی بر مؤلفه‌های لیبرالیسم و سرمایه‌داری را در دستورکار جهانی قرار دهد و «سیاست‌ خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران هم در این راستا متضمن توجه هم‌زمان به تمامی این ابعاد هویتی است» (روحانی، ۱۳۹۲: ۱۰۵).

۲. متغیرهای مؤثر بر روابط دو طرف

بررسی روابط ایران و اتحادیه‌اروپا در ۳۵ سال گذشته نشان می‌دهد که دو دسته از شاخص‌های ماهوی و متغیر در تنظیم روابط این دو کنشگر مؤثر بوده‌اند. شاخص‌های ماهوی شاخص‌هایی هستند که در تنظیم روابط ایران و اتحادیه‌اروپا نقشی اساسی، بنیادی و تغییرناپذیر داشته‌اند و شاخص‌های متغیر نیز شاخص‌هایی هستند که در گذر زمان دچار تحولاتی شده‌اند و یا اثرگذاری آنها در تنظیم روابط ایران و اتحادیه‌اروپا دچار تغییراتی بوده است. این شاخص‌ها به شرح نگاره زیر هستند.

نگاره شماره (۱) - شاخص‌های مؤثر در روابط ایران و اتحادیه‌اروپا در بستر جدید

شاخص‌های متغیر	شاخص‌های ماهوی
تحولات مختلف در ساختار و نظم منطقه‌ای و بین‌المللی	تعهد اتحادیه‌اروپا به ارزش‌ها، هنجارها و ساختارهای مهم بین‌الملل
پویا و دینامیسم ترتیبات و ائتلاف‌های منطقه‌ای	جهانی‌شدن و شبکه‌ای‌شدن قدرت و ارتباطات با مرکزیت شورای امنیت سازمان ملل متحد
تحول در حضور ناتو در منطقه خاورمیانه	اصل استمرار و تغییر در سیاست‌خارجی بی‌طرفانه ایران
تحول در حوزه‌های همکاری و تخصص و آینده ترتیبات و ائتلاف‌های منطقه‌ای در خاورمیانه و اتحادیه‌اروپا	رابطه بین قدرت‌های بزرگ، اتحادیه‌اروپا و ایران
بحران‌ها و تحولات اقتصادی و انرژی در سطح نظام بین‌الملل	نیازها، تقابلات و منافع راهبردی دو بازیگر
آینده پویا بازیگران مطرح منطقه‌ای در اتحادیه‌اروپا و خاورمیانه	آینده صلح اعراب و اسرائیل
آینده بازی ایران و کنسرت قدرت‌های منطقه‌ای و بزرگ	ماهیت و آینده هویت، همگرایی، اهداف و گسترش اتحادیه‌اروپا

نیازهای تجاری، اقتصادی، انرژی و مالی دو بازیگر	بحران‌ها و تحولات اقتصادی و انرژی در سطح نظام بین‌الملل
آینده کنشگری و رقابت راهبردی ایران و آمریکا	روابط مستقل ایران با کشورهای مختلف اروپایی
تعهد ایران و کشورهای اروپایی به منافع ملی و دغدغه‌های امنیتی خود	ایفای نقش سازمان‌ها، نهادها و گروه‌های غیردولتی در روابط دو طرف

مروری بر روابط این دو کنشگر در چند دهه گذشته، حکایت از دوره‌های متفاوتی از روابط بین دو طرف دارد. هر کدام از شاخص‌های ماهوی و متغیر بالا به‌نوعی در تنظیم روابط ایران و اتحادیه‌اروپا از جمله در دوره جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، دوره مذاکرات انتقادی^{۱۸}، دوره مذاکرات سازنده^{۱۹} و دوره مذاکرات هسته‌ای^{۲۰} مؤثر بوده‌است (Dadandish, 2012).

دوره مذاکرات هسته‌ای یکی از مهم‌ترین دوره‌های مربوط به تحولات روابط ایران و اتحادیه‌اروپا است. نظر به مداخله و نقش‌آفرینی شاخص‌های بالا در تنظیم روابط ایران و اتحادیه‌اروپا با توجه به موضوع هسته‌ای و اهمیت موضوع هسته‌ای در تنظیم آینده روابط ایران و اتحادیه‌اروپا، بررسی سیر تحولات موضوع هسته‌ای ایران مهم تلقی می‌شود.

۳. مذاکرات هسته‌ای ایران و دوره‌های تحول آن

مراحل ایفای نقش اتحادیه‌اروپا در مدیریت موضوع هسته‌ای ایران در راستای دغدغه‌ها و راهکارهای امنیتی جدید و نگاه خاص اتحادیه‌اروپا به حفظ رژیم بین‌المللی کنترل و عدم‌اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی به‌صورت کلی در پنج مرحله زیر قابل تحلیل است:

مرحله قبل از ورود رسمی اتحادیه‌اروپا به موضوع هسته‌ای ایران: که عمده‌تاً قبل از ۱۵ نوامبر ۲۰۰۴ و انعقاد موافقت‌نامه پاریس جریان داشت. در این زمان که مرحله پیشینی-درون‌متنی ایفای نقش اتحادیه‌اروپا در این بحران بود، کشورهای سه‌گانه اروپایی (فرانسه، انگلستان و آلمان) بعد از مطرح‌شدن موضوع هسته‌ای در دستورکار جهانی با ایران وارد مذاکره شدند. درخواست‌های کشورهای سه‌گانه اروپایی در این مرحله از ایران، توقف فعالیت‌های هسته‌ای بود که درنهایت به تعلیق کوتاه‌مدت آن انجامید. از سوی دیگر، در این دوره تعامل و مداخله دیپلماتیک مستقیم اتحادیه‌اروپا برای تأثیرگذاری بر پرونده هسته‌ای ایران، پرشورترین تلاش اتحادیه‌اروپا برای آزمایش راهبرد مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی (مصوب ۱۲ دسامبر ۲۰۰۳)^(۶) بود که اجرایی‌کردن آن برای نخستین‌بار از سوی اتحادیه‌اروپا در بحران

18. Critical Dialogues
 19. Constructive Dialogues
 20. Nuclear Dialogues

هسته‌ای ایران آغاز شد^(۷) (Kile, 2005: 122). در این زمان، سه وزیر امور خارجه اروپا بر مبنای دیدگاه‌های کشورهای خودشان و نه به‌عنوان نمایندگان اتحادیه‌اروپا به ایران سفر کردند و سرانجام در پی توافقنامه سعدآباد (۲۱ اکتبر ۲۰۰۳) یا بیانیه تهران^{۲۱}، ایران پذیرفت که تعلیق صرفاً داوطلبانه، برای اعتمادسازی و نه به‌عنوان یک الزام حقوقی و قانونی باشد. در آن فضای پیچیده و مبهم امنیتی، هدف ایران از آغاز مذاکرات نه به‌منظور چانه‌زنی در ارتباط با حقوق اساسی ایران، بلکه با انگیزه جلوگیری از همگرایی جامعه جهانی توسط آمریکا علیه ایران بود. مرحله ورود پرتحرک اتحادیه‌اروپا به موضوع هسته‌ای ایران: در این مرحله که اتحادیه‌اروپایی به‌صورت ویژه در بحث هسته‌ای ایران ایفای نقش کرد، مرحله درون‌متنی حضور اتحادیه‌اروپا در موضوع هسته‌ای ایران بود که حاصل آن درنهایت، موافقتنامه بروکسل (۲۳ فوریه ۲۰۰۴) و محتوای آن نیز تعلیق ساخت قطعات و مونتاژ سانتریفیوژها از سوی ایران و بازگشت روابط ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شرایط عادی و بسته‌شدن پرونده ایران در اجلاس ژوئن ۲۰۰۴ و موافقتنامه پاریس (۱۵ نوامبر ۲۰۰۴) بود. در این مرحله، اتحادیه اروپا از پشتوانه سیاسی گروه هشت کشور صنعتی^(۱۰)، آمریکا، ۵+۱؛ ناتو و کشورهای عضو اتحادیه‌اروپا برای اجرایی کردن راهبرد خود در مورد ایران که دربردارنده توجیهات قوی و منظم از راه تلفیق امکانات اقتصادی اتحادیه‌اروپا در ارتباط با کشورهای ثالث، راه‌حل‌های مشارکتی و چندجانبه؛ برخوردار بود. ولی درنهایت شکسته‌شدن تعلیق فعالیت‌های هسته‌ای در آخرین روزهای عمر دولت هشتم در ایران، این رویکرد را به‌شکست کشانید و درنهایت پرونده هسته‌ای ایران با همراهی اتحادیه‌اروپا (در فوریه ۲۰۰۶) به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد (خوش‌اندام، ۱۳۸۷).

مرحله ایفای نقش حاشیه‌ای اتحادیه‌اروپا و دنباله‌روی از سیاست‌های آمریکا: نقش اتحادیه‌اروپا در این مرحله در موضوع بحران هسته‌ای ایران، در تعامل با آمریکا معنی می‌یابد. الگوی رفتاری اروپا و آمریکا در این مرحله در مواجهه با موضوع هسته‌ای ایران در چارچوب هم‌تکمیلی^{۲۲} در رفتار استراتژیک قابل ارزیابی است. در این مرحله پیرامون فعالیت‌های هسته‌ای ایران، همگرایی غیرقابل انکاری میان اتحادیه‌اروپا و ایالات متحده وجود داشت. این همگرایی تا پیش از توافق جامع هسته‌ای (برجام) پیرامون موضع مخالفت با چرخه کامل سوخت^{۲۳} در ایران، به یک نقطه اشتراک تبدیل شده بود. باوجود این نقطه مشترک، اختلافاتی

21. Tehran Declaration

22. Complementarity

23. Nuclear Fuel Cycle

نیز پیرامون نحوه تعامل با تهران، نحوه بهره‌برداری از انرژی صلح‌آمیز و نیز دورنمای همکاری‌های هسته‌ای و حتی راهبردی با ایران به چشم می‌خورد. در این راستا شاهد ارائه طرح‌های مشترکی از طرف اتحادیه اروپا و شرکاء به ایران هستیم. طرح اوت ۲۰۰۵ اتحادیه اروپا و طرح یکم ژوئن ۲۰۰۶ اتحادیه اروپا از جمله این طرح‌ها بود که البته مورد قبول ایران واقع نشد. در فوریه همین سال (۲۰۰۶) بود که پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع شد.

نکته قابل توجه در زمینه اجرایی شدن رویکرد اتحادیه اروپا در پرونده هسته‌ای ایران، این است که برخلاف گمان کسانی که چانه‌زنی با اتحادیه اروپا را به «فراموشی شرق» تعبیر می‌کنند، مذاکرات ایران در دو سال نخست، تمام بلوک‌های قدرت را دربر می‌گرفت. چانه‌زنی با بلوک اروپا دقیقاً به موازات چانه‌زنی با جنبش عدم‌تعهد (هرچند که دارای کارکردها و نتایج مختلفی بود) پیگیری می‌شد و مذاکره با چین و روسیه نیز در کنار چانه‌زنی با بلوک هم‌سوی آمریکا (ژاپن، کانادا، استرالیا و...) تداوم داشت (معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۵: ۱۹)؛ امری که در سال‌های بعدی مدیریت موضوع هسته‌ای ایران کج‌دار و مریز از سوی مقامات ایرانی دنبال شد.

چهارمین مرحله از ایفای نقش اتحادیه اروپا در ارتباط با موضوع هسته‌ای ایران بعد از فوریه ۲۰۰۶ تا مذاکرات ژنو است که اتحادیه اروپا هم‌سو با ایالات متحده و شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحریم‌هایی را علیه ایران در قالب نظام تنبیه و پاداش در نیل به اهداف خود در زمینه موضوع هسته‌ای ایران اعمال می‌کند. در این دوره، به تدریج مصوبات منجر به تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران از سال ۲۰۰۷ به مرحله اجرا درمی‌آید که از مهم‌ترین آنها، تحریم‌های ژوئیه ۲۰۱۰ اتحادیه اروپا است. در این دوره، شاهد وقوع «بهار عربی»^(۱۱) از سال ۲۰۱۱ در سطح نظام‌های امنیتی پیرامونی اتحادیه اروپا هستیم. تحولات سوریه، اعطای جایزه صلح نوبل به اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۲^(۱۲)، اجرایی شدن تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران از سال ۲۰۱۲ از جمله دیگر تحولات این دوره می‌باشند.^(۱۳)

پنجمین دوره، مربوط به ایفای نقش این اتحادیه بعد از مذاکرات ژنو در سال ۲۰۱۳ است. مشارکت اتحادیه اروپا در موضوع هسته‌ای ایران بعد از توافق ۲۰۱۳ ژنو^{۲۴} نیز در سه وضعیت کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت قابل بررسی است. در این دوره شاهد وقوع بحران اوکراین در سطح نظام بین‌الملل (سال ۲۰۱۴) و واکنش اتحادیه اروپا به این بحران هستیم. در این مرحله،

با توجه به تحولات صورت گرفته در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، اتحادیه اروپا و به‌ویژه خانم/اِستون به‌عنوان نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا و جانشین ایشان فدیریکا موگرینی سعی دارد تا با مشارکت سازنده‌تر، نقش مؤثری را در حل و فصل مسأله‌های امنیتی این مسئله ایفاء کند. ادامه مذاکرات ایران با اعضای گروه ۵+۱ در ژنو و وین از سال ۲۰۱۳ به بعد در جهت دستیابی به توافق جامع هسته‌ای از جمله تلاش‌های اتحادیه اروپا در این زمینه است که سرانجام با تلاش گسترده دیپلمات‌های جمهوری اسلامی ایران و گروه ۵+۱ به برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)^{۲۵} در تیرماه سال ۱۳۹۴ (ژوئیه ۲۰۱۵) منجر شد. نقش اتحادیه اروپا در این دور از مذاکرات با توجه به حضور پررنگ سه کشور اروپایی در گروه ۵+۱ (آلمان، فرانسه و بریتانیا در قالب EU₃) و انجام مذاکرات در خاک اروپا و شهرهای گوناگون قاره سبز از ژنو و لوزان گرفته تا رم، بروکسل و وین و دستیابی به برجام بسیار جدی و تأثیرگذار بوده است.

۴. نیروهای پیشران^{۲۶} مؤثر در آینده روابط ایران و اتحادیه اروپا

بنابر بررسی‌های مربوط به جایگاه اتحادیه اروپا و ایران در نظام بین‌الملل کنونی و فرارو و تحلیل اهداف و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی این دو کنشگر در جهان فرارو، در مجموع مواردی را به‌عنوان نیروهای پیشران در تنظیم آینده روابط دو طرف می‌توان مورد ملاحظه و توجه قرار داد. برخی از عمده‌ترین این نیروهای پیشران، در بردارنده مواردی همانند جمعیت مسلمانان اروپا، موضوع انرژی، موضوع مهاجرت، موضوع همسایگی دو طرف با یکدیگر، رابطه دو طرف با قدرت‌های بزرگ، مسئله تسلط قدرت‌های بزرگ بر سیستم تصمیم‌گیری^{۲۷} اتحادیه اروپا، نقش ناتو و شورای امنیت، موضوع تعاملات تجاری و بازرگانی، هویت دموکراسی خواهانه و حقوق بشری دو طرف، موضوع صلح خاورمیانه و رابطه با آمریکا هستند. نظر به اهمیت برخی از موارد سعی می‌شود به صورت مشخص‌تر نقش آنها در اثرگذاری بر تنظیم آینده روابط ایران و اتحادیه اروپا مورد تحلیل قرار گیرد.

۴-۱. ساختار و هنجارهای بین‌المللی و جایگاه اتحادیه اروپا و ایران در آن

ایران و اتحادیه اروپا به ساختار بین‌المللی توجهی ویژه دارند. قرار گرفتن در جایگاهی مناسب در ساختار بین‌المللی، هدف هر دوی این بازیگران است. وجه مشترک نگاه این دو بازیگر به

25. Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA)

26. Driving Forces

27. Desition making process

ساختار بین‌المللی، شکل‌گیری یک ساختار چندجانبه‌گرا و مشارکت‌گرا است که ضمن احترام به هنجارهای بین‌المللی، منافع بازیگران نیز در آن تأمین شود.

۴-۲. نگاه اتحادیه‌اروپایی به موضوع عدم اشاعه و دغدغه‌های امنیتی طرف‌های ثالث

حل‌وفصل مسئله هسته‌ای ایران، مهم‌ترین دغدغه امنیتی فعلی اتحادیه‌اروپا است. اگرچه خیلی از نویسندگان موضوع "مفاهمه"^{۲۸} را کلیدواژه عدم شکل‌گیری روابط پایدار میان ایران و اتحادیه‌اروپا قلمداد می‌کنند (خارقانی، ۱۳۸۸)، ولی بنابر دلایل متعددی همانند سیاست اتکای به قدرت هژمون^{۲۹} و حفاظت همه‌جانبه از رژیم فعلی منع اشاعه توسط اتحادیه‌اروپا، می‌توان گفت که موضوع هسته‌ای ایران در آینده هم یکی از موتورهای محرکه همگرایی^{۳۰} یا واگرایی^{۳۱} روابط ایران و اتحادیه‌اروپا خواهد بود. در نقطه مقابل، از منظر ایران هم، "بحران‌سازی" در ارتباط با موضوع هسته‌ای ایران ساختگی، تصنعی و بنابراین بازگشت‌پذیر است (Zarif, 2014).

۴-۳. نگاه آینده اتحادیه‌اروپا و ایران به خاورمیانه و موضوع انرژی

نگاه اتحادیه‌اروپا به خاورمیانه را به‌خصوص باید از منظر گسترش اتحادیه به شرق، سیاست همسایگی نوین و برنامه اتحادیه برای مدیریتانه مورد سنجش و تحلیل قرار داد. به هر حال اتحادیه‌اروپا، خاورمیانه را یکی از محیط‌های فوری امنیتی خویش قلمداد می‌کند و هدفش از تعامل با این منطقه ایفای نقش مؤثر در ترتیبات امنیتی و راهبردی آینده خاورمیانه با توجه به نیازهای انرژی^(۱۴) و امنیتی خود است. ایران از بازیگران اصلی و کلیدی خاورمیانه است و نقش و اثرگذاری در تحولات این منطقه مهم و دارای اثرات راهبردی قابل توجهی است. این موضوع که «از نظر تاریخی، اروپایی‌ها بارها ایران را وجه‌المصالحه خود قرار داده‌اند» (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷۰۳) در آینده روابط ایران و اتحادیه‌اروپا نقشی اثرگذار خواهد داشت.

۴-۴. سوابق روابط ایران و اتحادیه‌اروپایی

برداشت‌های تاریخی^{۳۲} و تصاویر ذهنی^{۳۳} ناشی از سوءبرداشت‌ها^{۳۴} حتماً در آینده روابط ایران و اتحادیه‌اروپا ایفای نقش خواهند کرد. ایران و اتحادیه‌اروپا دارای منافع، هویت‌ها، هنجارها، فرهنگ‌ها، اهداف و راهبردهای گوناگونی هستند. این شاخص‌ها همان‌طور که در گذشته روابط

28. Understanding

29. Bandwagoning

30. Integration

31. Divergence

32. Historical Perceptions

33. Subjective Images

34. MisPerceptions

این دو کشور اثرگذار بوده‌اند، در آینده نیز در روابط این دو بازیگر جایگاه مهم و قابل‌توجهی خواهند داشت.

۴-۵. نقش متغیر مداخله‌گر قدرت‌های بزرگ

نقش قدرت‌های بزرگ در آینده روابط این دو بازیگر با توجه به ماهیت و اهداف این دو مهم است. باید در این زمینه نقش آمریکا را جدی گرفت و در نظر داشت که اختلافات اروپا با آمریکا ماهوی نبوده، بلکه معطوف به منافع و جایگاه اروپا و عدم تمایل اتحادیه‌اروپا به نادیده انگاشته‌شدن در نظم آینده است (جاویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۹۰). در این زمینه، نقش روسیه هم با توجه به این که یکی از مهم‌ترین مسائل اساسی روسیه تنظیم روابط با اتحادیه‌اروپا است، باید جدی گرفته شود.

۴-۶. آینده سیاست خارجی و امنیتی مشترک^{۳۵} اتحادیه‌اروپا

یکی از مهم‌ترین معضلات فعلی اتحادیه‌اروپا، عدم هماهنگی در زمینه سیاست خارجی، امنیتی و دفاعی مشترک است. به هر حال، این یک واقعیت مهم است که بسیاری از گزینه‌های تعاملی و تخصصی اتحادیه‌اروپا وابسته به بهره‌وری و همگونی یا عدم هماهنگی در زمینه سیاست خارجی و امنیتی مشترک است.

۴-۷. نظریات جامعه‌دانشوران و نخبگان ایران و اتحادیه‌اروپا

از آنجایی که رویکردهای سیاست خارجی هر کنشگری به نوعی از عامل انسانی تأثیرپذیر است، جامعه‌دانشوران، نخبگان سیاسی و فکری، شخصیت‌ها و نهادهای مدنی نیز در تنظیم روابط آینده دو بازیگر نقش اساسی خواهد داشت. این گروه‌های مرجع در هر دو طرف معادله می‌توانند موجد تغییراتی در نگرش‌ها، شکل‌دهی^{۳۶}، تنظیم و اتخاذ^{۳۷} تصمیم طرفین شوند.

۴-۸. آینده گسترش اتحادیه‌اروپا

گسترش عمودی^{۳۸}، افقی^{۳۹} و بخشی^{۴۰} اتحادیه‌اروپا نقش مهم و غیرقابل انکاری را بر روابط این دو بازیگر (ایران و اتحادیه‌اروپایی) در پی خواهد داشت. از نقطه نظر اروپایی، هر گونه گسترش همگرایی یا وقوع و اثرگذاری مؤلفه‌های واگرایی و شکاف‌ساز در روند اهداف و آرمان‌های

35. Common Foreign and Security Policy (CFSP)

36. Shaping

37. Adopting

38. Vertical Enlargement

39. Horizontal Enlargement

40. Sectoral Enlargement

اتحادیه، اثری مهم بر روند سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا دارد و حتماً این موضوع بر روابط با کشورهای ثالث اثرگذار خواهد بود.

۴-۹. نقش بوروکراسی و شخصیت‌ها در آینده روابط

بوروکراسی و شخصیت‌ها در آینده روابط ایران و اتحادیه اروپایی یکی از ارکان مهم هستند. در زمینه نقش آفرینی ساختارها و بوروکراسی می‌توان به مواردی همانند فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، اهمیت نهادها در تنظیم سیاست‌ها و راهبردها، جهت‌دهی به سیاست خارجی و امنیتی همگون مشترک و بوروکراتیک اشاره داشت. در بحث شخصیت‌ها هم می‌توان به مواردی همانند جهت‌گیری‌ها، تغییر راهبردها، برنامه‌ها و میزان انطباق به وضعیت همکاری اشاره کرد.

۴-۱۰. ماهیت و عملکرد دیپلماسی در تنظیم روابط

ابزار دیپلماسی یکی از مهم‌ترین یادگارهای قرن بیستم برای تنظیم روابط بازیگران بین‌المللی است. این ابزار مورد توجه رویکردهای رئالیسم و سازه‌انگاری نیز هست. به نظر می‌رسد استفاده از این ابزار، نقش کلیدی را در تنظیم آینده روابط این دو کنشگر ایفاء خواهد کرد. اهمیت دستگاه دیپلماسی ایران و اتحادیه اروپا و دستورکار آنها را باید در این حوزه مورد توجه جدی قرار داد.

۵. سناریوی تعامل سازنده^{۴۱}

اتحادیه اروپایی بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران تا پیش از اعمال تحریم‌های این اتحادیه بر سر موضوع هسته‌ای بود و ایران روزانه ۶۰۰ هزار بشکه نفت به اروپا صادر می‌کرد. یونان، اسپانیا و ایتالیا به ترتیب بیش از ۱۰ درصد نفت مورد نیاز خود را از ایران وارد می‌کردند. یک‌سوم واردات ایران را محصولات اروپایی شامل ماشین‌آلات و وسایل حمل‌ونقل تشکیل می‌داد. از سال ۲۰۱۰ به بعد و با آشکار شدن آثار تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های اتحادیه اروپایی، چین توانست جای شرکای اروپایی را در بازار ایران بگیرد. به این ترتیب، آینده مناسبات ایران و اتحادیه اروپا در صورت رفع موانع موجود تا اندازه زیادی به چشم‌اندازهای پیش‌روی مناسبات تجاری دو طرف بستگی خواهد داشت.

نگاره شماره (۲) - سناریوی تعامل سازنده

متغیر کلان	زیرمجموعه‌های متغیر
شورای امنیت سازمان ملل متحد	تحریم - حمله نظامی - محدودسازی
موضوع انرژی	برق - آب - پتروشیمی - نفت - گاز - نفت شیل - فناوری نفت و گاز - بیمه - کشتیرانی
موضوع صلح خاورمیانه و منازعه اعراب و اسرائیل	حرکت‌های آزادیبخش - موضوع افراط‌گرایی
هویت مثبتی بر دموکراسی خواهی و حقوق بشری	دموکراسی - حقوق بشر - انتخابات آزاد - احترام به حاکمیت قانون - حمایت از حقوق زنان
رابطه با قدرت‌های بزرگ	روابط دو طرف با آمریکا - نقش آمریکا در تأمین امنیت اروپا و امنیت‌زدایی از ایران
تعاملات و نیازهای تجاری، اقتصادی و بازرگانی	معاهده مودت و بازرگانی (TCA)

اتحادیه‌اروپایی نخست به‌دلیل مراودات گسترده اقتصادی و در درجه دوم به دلایل امنیتی ناشی از نزدیکی جغرافیایی کشورهای این اتحادیه به ایران، از ابتدا نسبت به اعمال فشارهای اقتصادی بر ایران بی‌میلی نشان داد. از سال ۲۰۰۶ با ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل تا سال ۲۰۱۰، اتحادیه‌اروپایی تنها به هدف قراردادن افرادی که با برنامه اتمی ایران در ارتباط بودند، بسنده کرد. اما از سال ۲۰۱۰ به بعد، این اتحادیه نیز رفتاری همانند ایالات متحده را در تنظیم تحریم‌های جدید علیه ایران که از تحریم‌های سازمان ملل نیز فراتر می‌رفت، در پیش گرفت. از سال ۲۰۰۷ و به صورت مشخص از ژوئیه ۲۰۱۰ و در نخستین اقدام مهم و اثرگذار از این دست، اتحادیه‌اروپایی تحریم‌هایی را وضع کرد و فعالیت‌هایی را که به طور مستقیم با برنامه اتمی ایران در ارتباط نبود، نیز دربرمی‌گرفت و به مرور تحریم‌های اتحادیه‌اروپایی به حد تحریم‌های ایالات متحده رسید.

بین ژانویه و اکتبر ۲۰۱۲، بروکسل تحریم‌ها علیه ایران را افزایش داد، اقداماتی را برای هدف قراردادن نظام مالی و انرژی ایران اتخاذ کرد و ظرفیت مالی ایران را با محدود کردن درآمدهای ناشی از بخش انرژی پایین آورد. شورای امور خارجی اتحادیه‌اروپایی، تحریم‌های شدیدی را بر واردات نفت از ایران و صنعت پتروشیمی اعمال کرد، دارایی‌های بانک مرکزی ایران را در اتحادیه‌اروپایی مسدود کرد، شرکت‌های اروپایی را از ارائه بیمه برای انتقال نفت و مواد پتروشیمی از ایران منع کرد و سرانجام ارتباط بانک‌های ایرانی را با شبکه جهانی ارتباطات بین بانکی (سوئیفت) قطع کرد (Bassiri Tabrizi, 2014).

به این ترتیب و با اعمال تحریم‌های گسترده از سوی اتحادیه، مراودات تجاری و اقتصادی اتحادیه‌اروپایی با ایران در اواسط سال ۲۰۱۴ به کمترین حد رسید و دو طرف سعی کردند خلأهای ایجادشده از کاهش محسوس تعاملات را با گسترش مراودات با طرف‌های ثالث پر

کنند. استمرار این وضعیت همچنان بر آینده مناسبات ایران و اتحادیه‌اروپایی سایه افکنده بود، به‌گونه‌ای که شرایط را برای تحقق وضعیت تعامل سازنده که به‌نظر می‌رسید، مهم‌ترین دستورکار سیاست‌ خارجی ایران باشد، سخت کرد. به‌این‌ ترتیب، آینده مناسبات ایران و اتحادیه‌اروپایی تا حد زیادی، نه‌تنها به رفع تحریم‌های اتحادیه‌اروپایی، بلکه شکستن سازمان تحریم‌های بین‌المللی و تحریم‌های آمریکا علیه ایران بستگی داشت که به‌نظر می‌رسد با اجرای توافق جامع هسته‌ای (برجام)، ساختار تحریم‌ها فروپاشد.

در این میان توافق ژنو یا برنامه اقدام مشترک^{۴۲} که در نوامبر ۲۰۱۳ بین ایران و ۵+۱ منعقد شده بود، سعی داشت تا چشم‌اندازهای تغییر در وضعیت موجود را روشن سازد و به‌این پرسش تا حدی پاسخ دهد که مناسبات تجاری ایران و اتحادیه‌اروپایی در چشم‌انداز فرارو چه مسیری را طی خواهد کرد. در ماه‌های پس از امضای برنامه اقدام مشترک و تعلیق محدود برخی از تحریم‌ها توسط اتحادیه‌اروپایی و آمریکا، مقامات ایران بر این نکته تأکید داشتند که چگونه مفاد توافق ژنو، راه را برای سرمایه‌گذاری غربی و اروپایی در ایران هموار می‌کند.

در ژانویه ۲۰۱۴ در اجلاس اقتصادی داووس، وزیر نفت ایران، بیژن نامدار زنگنه با مقام‌های اجرایی شرکت‌های نفتی غربی دیدار کرد و حسن روحانی نیز سعی کرد سرمایه‌گذاران را برای ورود به بازار ایران ترغیب کند. چندین شرکت بزرگ اروپایی به از سرگیری تجارت با ایران پس از تصویب برنامه اقدام مشترک، علاقه نشان دادند. شرکت‌هایی که در ایران تا قبل از تحریم‌ها فعال بودند به‌صورت ویژه برای ورود مجدد به بازار ایران علاقه نشان داده‌اند. برای نمونه، در بهمن‌ماه سال ۱۳۹۲، بیش از ۱۰۰ شرکت فرانسوی از جمله رنو و پژو که از جمله تأمین‌کنندگان اصلی صنایع خودروسازی ایران هستند، نمایندگان خود را به ایران فرستادند. فرانسه در ژانویه ۲۰۱۴ تمایل خود را به گسترش روابط تجاری با ایران با فرستادن یک وابسته اقتصادی به سفارت خود در تهران نشان داد. یک هیئت تجاری آلمانی نیز از تهران بازدید کرد و راه‌های گسترش همکاری اقتصادی و تجاری با ایران را مورد بررسی قرار داد. بلژیک نیز در فروردین ۱۳۹۳ هیئت مشابهی را به ایران فرستاد تا بتواند جایگاه خود را در اقتصاد ایران احیاء کند و به‌ویژه در صنایع معدنی ایران موقعیتی محکم را برای خود ایجاد نماید.

بنابر برنامه اقدام مشترک، اروپا و آمریکا از شدت تحریم‌ها کاستند. در ژانویه ۲۰۱۴ شورای امورخارجی اتحادیه‌اروپا به‌طور رسمی متعهد شد که بخشی از تحریم‌ها علیه ایران را که بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ اجرا شد را به حالت تعلیق درآورد. برخی از موارد شمول این تعلیق از

این قرار هستند: ممنوعیت خرید، واردات و یا انتقال محصولات پتروشیمی ایران، ممنوعیت تجارت طلا و فلزات گرانبها با دولت ایران، بخش دولتی و یا بانک مرکزی ایران، ممنوعیت ارائه خدمات بیمه و حمل‌ونقل به مشتریان کنونی که نفت ایران را وارد می‌کنند (چین، هند، ژاپن، جمهوری کره، تایوان و ترکیه). علاوه بر این، کاهش فشار تحریم‌ها آستانه مورد قبول برای مبادلات غیرتحریمی شامل خدمات بشردوستانه، غذا، دارو و محصولات کشاورزی را نیز به میزان ده‌برابر بالا برد. کاهش ممنوعیت برخی مبادلات از سوی آمریکا نیز بر روابط ایران و اتحادیه‌اروپایی اثراتی مثبت گذاشت. به‌عنوان نمونه، معافیت‌هایی که آمریکا در مورد صنعت هوایی و صنعت خودروسازی اعمال کرد، دست شرکت‌های اروپایی را در تعامل با ایران بازتر کرد. بنابر توافقات ضمن برنامه اقدام مشترک، قرار شد تا ۴/۲ میلیارد دلار از دارایی‌های ایران در هشت دوره و هر دوره به میزان ۵۵۰ میلیون دلار آزاد شود. بنابر تخمین‌ها، میزان تبادلات در مجموع باید به ۷ میلیارد دلار برسد که ۴/۲ میلیارد دلار آن دارایی‌های مسدود شده و بقیه ارزش تبادلات جدید تجاری با ایران خواهد بود.

اما امیدها برای بازگشتن مناسبات به وضعیت قبل با واقعیت‌ها همخوانی نداشت. تمامی تلاش‌ها برای بازسازی روابط تجاری در عین حال با هشدارهای ایالات‌متحده نسبت به لزوم ممانعت از عادی‌شدن روابط تجاری با ایران مواجه بود و از این‌رو نتوانست نتیجه ملموسی با خود داشته باشد. اتحادیه‌اروپا در چند سال اخیر از مهم‌ترین بازندگان اتخاذ تحریم‌های دو و چندجانبه علیه ایران بوده است. براساس گزارش منتشرشده توسط گروه تحقیقاتی شورای امریکاییان-ایرانیان (ناپاک) اروپا بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ بیش از آمریکا و تقریباً دو برابر آن کشور از ناحیه کاهش روابط تجاری با ایران متضرر شده است. در همین راستا، آلمان در میان کشورهای اروپایی بیشترین زیان را از ناحیه تحریم‌های دو و چندجانبه علیه ایران متحمل شده و حدود ۲۳/۱ تا ۷۳ میلیارد دلار بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ از دست داده است. به همین ترتیب کشورهای ایتالیا و فرانسه هر کدام بین ۱۴/۶ تا ۴۲/۸ میلیارد دلار و ۱۰/۹ تا ۳۴/۲ میلیارد دلار ضرر اقتصادی تحمل کرده‌اند.^{۴۳} برای راضی کردن حامیان سرسخت سیاست تحریم، دولت آمریکا به شرکت‌های آمریکایی و اروپایی آشکارا و پنهانی هشدار داد و به‌این ترتیب، با اینکه برنامه اقدام مشترک از شدت تحریم‌ها تا حدی کاست و مانع از ایجاد تحریم‌های جدید شد، اما در عمل مراودات ایران و اتحادیه‌اروپایی تغییر زیادی نکرد.

در مجموع کاهش تحریم‌ها بنابر توافق موقت، مناسبات تجاری ایران و اروپا را تنها در چند زمینه بهبود بخشید که بیش از همه معطوف به صنایع خودروسازی، پتروشیمی و بیمه تانکرهای نفتی بود. حتی در همین زمینه‌ها نیز آن گونه که باید، مبادلات افزایش پیدا نکرد. یکی از مهم‌ترین دلایل، ابهام در آینده توافق ایران و ۵+۱ و رسیدن به توافق نهایی در این زمینه بود. در این فضا، بانک‌های اروپایی از بیم نقض ناخواسته تحریم‌ها در جریان انجام مبادلات مالی با ایران که با واکنش تند ایالات متحده همراه می‌شد، از انجام مبادلات با ایران خودداری می‌کردند.

در این میان، پیچیدگی‌های حاکم بر بازار انرژی، احیای روابط تجاری و اقتصادی ایران و اتحادیه‌اروپایی را دشوارتر خواهد کرد. این وضعیت در مورد تجارت گاز بیش از نفت حائز اهمیت خواهد بود. ایران بزرگ‌ترین منابع گاز طبیعی قابل استحصال دنیا را در اختیار دارد و اتحادیه‌اروپایی به واردات گاز برای تأمین مصارف خانگی و صنعتی وابسته است. با وجود اینکه اتحادیه بیشتر از ۵۰ درصد از نیاز گاز خود را از روسیه تأمین می‌کند، اما بی‌اعتمادی میان روسیه و اتحادیه‌اروپایی که ناشی از رقابت‌های ژئوپلیتیک غرب و شرق است، نیاز به گزینه‌های جایگزین را همواره برای کشورهای اروپایی زنده نگاه داشته است.^(۱۵) قابل اعتماد نبودن روسیه در جریان بحران‌های سیاسی در بالکان، حوزه خارج نزدیک روسیه و اوکراین که به قطع جریان صادرات گاز این کشور به اتحادیه‌اروپایی انجامید، اثبات شده است. از این‌رو، اتحادیه‌اروپایی در چند سال اخیر سعی در یافتن منابع جایگزین داشته است. دو گزینه در این زمینه پیش‌روی کشورهای اروپایی است. نخستین گزینه، واردات گاز از کشورهای حوزه خلیج فارس شامل ایران و شیخ‌نشین‌های عربی، به‌ویژه قطر و دومین گزینه استخراج منابع گازی خود است. هر دو این وضعیت برای ایران که در پی یافتن بازارهای قابل اعتماد برای گاز خود است، دارای معانی مهم است.

در حالی که گزینه نخست برای ایران وضعیتی همراه با بیم و امید است، گزینه دوم در صورت عملی شدن، ایران را کاملاً از این منبع درآمد، محروم می‌سازد. ذخایر گاز اتحادیه‌اروپایی همانند ذخایر گاز ایالات متحده در اعماق و لایه‌های رسوبی زمین و از این‌رو، با فناوری‌های معمولی غیرقابل استخراج هستند، اما با معرفی فناوری‌های نوین در زمینه استخراج گاز، احتمال آن می‌رود که اتحادیه‌اروپایی بتواند راه ایالات متحده را در تبدیل شدن از یک واردکننده بزرگ گاز به یک صادرکننده پی‌بگیرد. هرچند در حال حاضر، دو عامل صرفه اقتصادی و دغدغه‌های محیط‌زیستی مانع از استخراج گاز موجود در کشورهای اروپایی شده است، اما

می‌توان به‌عنوان یک گزینه احتمالی، تحقق وضعیت تبدیل اتحادیه‌اروپایی از یک واردکننده گاز به صادرکننده آن را در ذهن داشت. از آنجایی که در شرایط فعلی و با فناوری‌های کنونی اتحادیه‌اروپایی قادر به رسیدن به چنین وضعیت ایده‌آلی نیست، آینده عامل انرژی گاز در مناسبات ایران و اتحادیه‌اروپایی تا حد زیادی به توانایی ایران در انعقاد قراردادهای صادرات گاز با این اتحادیه در دهه آتی و متضررنشدن اقتصادی و ژئوپلیتیک ایران از انقلاب شیل در آمریکای شمالی (Blachwill and Sullivan, 2012)، بستگی خواهد داشت. به این صورت است که بحث انرژی در تحکیم پیوندهای ایران و اتحادیه‌اروپایی و برقراری یک تعامل سازنده به از بین رفتن موانع سیاسی و حقوقی موجود متأثر از نظام تحریم‌ها علیه ایران بستگی خواهد داشت. فراتر از این موضوعات، هرگونه مخالفت اتحادیه‌اروپا با مداخلات منطقه‌ای و سیاست مداخله‌جویانه آمریکا می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ای برای همکاری عمیق‌تر در روابط ایران و اروپا در تقابل با هژمون‌گرایی آمریکا و نهادینه‌شدن تعامل سازنده در روابط دو طرف قلمداد شود. یکی از بهترین راه‌های تأمین منافع ملی ایران در این مسیر، استفاده از گزینه صلح نسبی^{۴۴} است. گزینه صلح نسبی در قالب سناریوی «تعامل سازنده» بین ایران و اتحادیه‌اروپایی از آن جهت مهم است که هر دو بازیگر در پی ثبات‌سازی پایدار در روابط هستند. بنابراین دو طرف بر مبنای نیاز متقابل می‌توانند مدل جدیدی از گفتگو را آغاز و روابط خود را بر اساس برد-برد تعریف کنند. بر این مبنای ضروری است مسائل چالش‌برانگیز به موضوعاتی برای همکاری تحول یابد. بنابراین برای آغاز تعامل سازنده و همکاری تازه به پارادایم مشترکی نیاز است؛ پارادایمی که مورد توافق باشد. اعتمادسازی و ایجاد امنیت از محورهای عمده در تنظیم روابط با اروپا است. امنیت در ابعاد مختلف به‌عنوان مهم‌ترین و عینی‌ترین نیاز و خواست مردم اروپا و دغدغه مشترک ایران و اروپا در قبال این مقوله، یکی دیگر از مؤلفه‌ها و ابعاد پارادایم همکاری خواهد بود. تروریسم، مواد مخدر، مهاجرت غیرقانونی، ثبات و امنیت در منطقه و غیره موضوعاتی است که می‌تواند بر امنیت دو طرف تأثیر مستقیم بگذارد (خامه‌چی، ۱۳۹۱: ۷۸۳).

۶. سناریوی مدیریت خارجی

بر مبنای این سناریو، آینده روابط ایران و اتحادیه‌اروپایی تا حد زیادی به عامل نقش ایالات متحده آمریکا بستگی خواهد داشت. بر مبنای این سناریو نقش آمریکا می‌تواند در این مسیر به گونه‌ای باشد که تسهیل‌کننده یا مانعی در گسترش مناسبات دو طرف باشد. اینکه

کدام یک از این دو حالت محقق شود، خود به نوع مناسبات هر کدام از این دو بازیگر با آمریکا بستگی خواهد داشت. البته اثرگذاری آمریکا در روابط ایران و اتحادیه اروپایی مسئله‌ای جدید نیست و ایالات متحده تا به امروز در تعیین نوع نگاه و جهت گیری‌های اروپایی‌ها نسبت به ایران نقش داشته است. با وجود این، به دلیل وارد شدن مناسبات ایران و آمریکا بر سر مسئله هسته‌ای به مراحل جدید و جدیت بیشتر آمریکا به حل این موضوع، به‌ویژه از سال ۲۰۱۳ و زمان انعقاد برنامه اقدام مشترک ژنو از این پس نقش آمریکا در مناسبات ایران و اتحادیه اروپایی پررنگ‌تر از گذشته خواهد شد که نمود اصلی آن، نقش آمریکا در تنظیم برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) گروه ۵+۱ با ایران است.

نگاره شماره (۳) - سناریوی مدیریت خارجی

متغیر کلان	زیرمجموعه‌های متغیر
اثرگذاری ناتو	مشارکت ایران با ناتو-گسترش ناتو به شرق- واکنش روسیه به ناتو- واکنش چین به ناتو- اهداف و دستور کارهای ناتو
رویکرد همسایگی دو طرف	عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا - مشارکت اتحادیه اروپا با شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه اروپا در قفقاز و آسیای مرکزی
موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران و تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه	مذاکرات هسته‌ای ایران و گروه ۵+۱ - درهم تنیده شدن و شبکه‌ای شدن قدرت و ارتباطات
روابط و کنسرت قدرتهای بزرگ	روابط تعاملی یا تخصصی قدرتهای بزرگ در قبال اتحادیه اروپا و ایران
بحران‌های بین‌المللی و تغییرات سریع در ساختار نظام بین‌الملل	تغییرات مثبت و منفی نظام بین‌الملل- جهانی شدن
اثرگذاری نهادهایی همانند گروه هفت، اژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای همکاری خلیج فارس برای همکاری با ایران	اثرگذاری آمریکا بر روند فعالیت و موضعگیری این نهادها- دیپلماسی زور در سطح نهادهای بین‌المللی

به این ترتیب، اینکه آمریکا بر روابط ایران و اتحادیه اروپایی چه تأثیری داشته باشد، نخست به این بستگی دارد که ایران و ایالات متحده به سمت بازسازی روابط و یا تقابل بیشتر حرکت کنند. برنامه اقدام مشترک (توافق ژنو) و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) و نیز تلاش‌های موفق اولیه در رفع برخی تحریم‌ها، امیدهایی را به حل منازعه دو کشور و حرکت به سمت عادی سازی تدریجی مناسبات ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد که در صورت موفقیت برنامه جامع اقدام مشترک (برجام)، شاید ایران و ایالات متحده بتوانند سایر مشکلات موجود میان خود را برطرف کنند و به این ترتیب زمینه برای بهبود و گسترش روابط میان ایران و اتحادیه اروپایی نیز فراهم شود. تجربیات گذشته حکایت از آن دارد که متشنج بودن فضای مناسبات ایران و ایالات متحده و بالاگرفتن جنگ لفظی و رقابت‌های منطقه‌ای میان آنها، بر

روابط ایران و اتحادیه‌اروپایی نیز اثرگذار بوده است. نمونه بارز این ادعا را می‌توان اخلاگیری آمریکا در دیپلماسی ایران و تروئیکای اروپایی در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ دید. به همین ترتیب، اگر در چشم‌انداز فرارو مواضع ایران و آمریکا به سمت تقابل بیشتر بر سر مسئله هسته‌ای حرکت کند و دستاوردهای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به فراموشی سپرده شود، می‌توان منتظر کاهش و یا حتی فروپاشی کامل مناسبات میان ایران و اتحادیه‌اروپایی نیز بود.

در این میان باید به این مهم توجه داشت که اثرگذاری ایالات‌متحده بر روابط ایران و اتحادیه‌اروپایی در مقطع کنونی بیش از هر زمان در تاریخ مناسبات دو طرف در ۳۷ سال بعد از انقلاب اسلامی بوده است. در گذشته ایران قادر بود از اتحادیه‌اروپا به‌عنوان نیرویی موازنه‌ساز در برابر ایالات‌متحده آمریکا بهره‌برد و برخی از فشارهای بین‌المللی آمریکا و تحریم‌های یک‌جانبه این کشور با مقاومت برخی کشورهای اروپایی روبرو و تا اندازه‌ای بی‌اثر می‌شد. نمونه بارز این وضعیت و استفاده ایران از قدرت‌های اروپایی برای کاهش فشار ایالات‌متحده را می‌توان در نقض قانون تحریم ایران و لیبی در سال ۱۹۹۵ توسط شرکت توتال فرانسه مشاهده کرد (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۲۸۰). با اقدام شرکت فرانسوی در عقد قرارداد با ایران، تعدادی دیگر از شرکت‌های بین‌المللی نیز قراردادهایی را در زمینه توسعه صنایع نفتی با ایران منعقد کردند و در نتیجه ایران توانست با بهره‌گیری از وزن قدرت‌های اروپایی، محاصره تحریم آمریکایی را تا اندازه‌ای بشکند. اما درک این نکته ضروری است که شرایط جدید و تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران از فوریه ۲۰۰۶ به‌بعد، با تحریم‌های سنتی ایالات‌متحده متفاوت بوده و از این‌رو، استفاده از ظرفیت اتحادیه‌اروپایی توسط ایران، بدون جلب نظر آمریکا دشوار شده بود. برخی تحریم‌های هسته‌ای ایران که ماهیت بین‌المللی داشت، با پشتیبانی قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل اعمال شد و از این‌رو برای کشورهای اروپایی لازم‌الاجرا بود^(۱۶) که البته پس از برجام همه تحریم‌های شورای امنیت در قالب قطعنامه ۲۲۳۱ لغو شده و بخش بزرگی از تحریم‌های اتحادیه‌اروپایی نیز بنابر مصوبه‌ای که از شورای اروپا گذشت، ملغی اعلام شده است.

۷. سناریوی فروپاشی روندهای داخلی

براساس این سناریو، آینده روابط ایران و اتحادیه‌اروپایی به روندهای همگرایی در این اتحادیه و حرکت آن به سوی همگرایی بیشتر یا واگرایی بستگی خواهد داشت. در حال حاضر، گزینه‌هایی همانند ایجاد اروپای دوسرعت، محدودتر شدن منطقه یورو و خروج برخی از کشورهای دارای

اقتصاد ضعیف‌تر از آن و انحلال منطقه یورو در مورد آینده اتحادیه‌اروپا مورد تحلیل کارشناسان است (ایزدی، ۱۳۹۲: ۲۰۴). به این ترتیب، اگر اتحادیه‌اروپایی به سمت همگرایی بیشتر یا گسترش عمودی، افقی و بخشی منسجم‌تر و معطوف به هدف حرکت کند، ایران با نهادی یکپارچه در تنظیم مناسبات خود روبه‌رو خواهد بود. اما اگر روندهای همگرایی در اتحادیه‌اروپایی دچار اخلاص شود، می‌توان وضعیتی را در نظر گرفت که ایران تأمین حداکثر منافع خود را از طریق روابط دوجانبه با کشورهای عضو پیگیری خواهد کرد.

نگاره شماره (۴) - سناریوی فروپاشی روندهای داخلی

متغیر کلان	زیرمجموعه‌های متغیر
گسترش عمودی- افقی و بخشی اتحادیه	عدم بهره‌وری سیاست گسترش
تحولات ساختاری- نهادی و شخصیتی دو طرف معادله	ظرفیت‌های منازعه داخلی در هر دو طرف معادله اثرگذاری عمیق داخلی در دو طرف بر سیاست خارجی
فرا تحلیل‌ها و فراساختارهای داخلی- ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی	آمریکابگرایانه بحران‌های داخلی سرمایه‌داری ° بحران‌های هویتی و ارزشی
فروپاشی اقتصادی، مالی و پولی	فروپاشی ناحیه یورو- ناکارآمدی سیاست‌های ریاضتی اقتصادی
بحران جدایی‌طلبی ^{۴۵} در داخل اتحادیه‌اروپا و احیای ناسیونالیسم	بحران ۲۰۱۴ اوکراین به‌عنوان نقطه عطف تضادهای قومی و نژادی داخل اروپا

آنچه تا به امروز از اتحادیه‌اروپایی دیده‌ایم، همگرایی مثبت و حرکت در راستای تقویت نهادهای مشترک اروپایی بوده است. البته این همگرایی همواره با شدت ثابت پیگیری نشده و در دوره‌هایی با رکود یا کندشدن روندهای همگراییانه مواجه بوده است. تلاش‌های فرانسه در جهت ایجاد «اتحادیه‌اروپای کوچک»^{۴۶} و خارج نگه‌داشتن بیشتر اعضای جدید (قوام و کیانی، ۱۳۹۰: ۲۳۱) یا ارائه طرح‌هایی همانند «اتحادیه برای مدیترانه»^{۴۷} (خوش‌اندام، ۱۳۸۸) در جهت دور نگه‌داشتن کشورهای مسلمان همانند ترکیه، اقدامی در همین راستا قلمداد می‌شود. در این میان، اقتصاد به‌عنوان مهم‌ترین عامل پیش‌برنده همگرایی در اروپا عمل کرده است. اتحادیه‌اروپایی را در اصل باید اتحادیه‌ای اقتصادی دانست که موتور محرک آن را منافع حاصل از همگرایی تشکیل می‌دهد. از این‌رو است که رشد اتحادیه‌اروپایی در دوره‌های شکوفایی اقتصادی بیشتر بوده و در دوره‌های رکود اقتصادی، همگرایی اروپایی نیز با رکود مواجه شده است (ایزدی، ۱۳۹۰). زمانی که از آینده روابط ایران و اتحادیه‌اروپایی سخن به میان می‌آید،

45. Sectorianism

46. Mini EU

47. Union for Medditaranian

آنچه در شرایط موجود بیش از همه جلب توجه می‌کند، شرایط نامساعد اقتصادی در اکثر کشورهای اروپایی متأثر از بحران جهانی اقتصاد است.

از سال ۲۰۰۸ که رکود بزرگ اقتصادی از ایالات متحده آغاز شد و به دیگر مراکز مالی و اقتصادی وابسته به نظام اقتصادی جهانی سرایت کرد، آینده فرایند همگرایی در اتحادیه اروپایی نیز موضوع مباحث زیادی بوده است. به این ترتیب، زمانی که همگرایی اقتصادی با دشواری مواجه می‌شود، نشانه‌های بحران در سایر حوزه‌های فرعی همگرایی؛ یعنی هویتی و سیاست خارجی و امنیتی مشترک نیز نمودار می‌شود. اوج موفقیت اتحادیه اروپایی را باید در دورانی ارزیابی کرد که کشورهای بزرگ این اتحادیه؛ یعنی آلمان و فرانسه رشد اقتصادی بین ۳ و ۴ درصد را تجربه می‌کردند و روندهای عمومی نیز نشان از آن داشت که همگرایی اقتصادی بین این دو کشور و کشورهای اروپایی دارای اقتصادی ضعیف‌تر، می‌تواند سود دوجانبه به همراه داشته باشد؛ به نحوی که از یک سو، بازار سرمایه را برای کشورهای ضعیف‌تر باز کند و رونق اقتصادی و تولید به همراه داشته باشد و از سوی دیگر، برای قدرت‌های بزرگ نیز بازار مصرف بزرگ‌تر، حذف نظام‌های تعرفه‌ای و هزینه‌های تولید پایین‌تر به همراه داشته باشد. این در حالی است که در شرایط رکود اقتصادی موجود، چشم‌اندازهای مثبتی که تا پایان دهه ۱۹۹۰ بسیار پررنگ و تا هشت سال بعد نیز همچنان معتبر بود، اکنون با بدبینی‌هایی همراه شده است. به این ترتیب، تصور وضعیتی که با تداوم رکود موجود انگیزه قدرت‌های بزرگ اروپایی در کمک مالی به اقتصادهای ضعیف‌تر از میان برود و این کشورها نیز ترجیح دهند با تقویت اقتصادهای ملی و نظام‌های تعرفه‌ای از بحران بیرون روند، دست کم به عنوان یک احتمال مطرح است.

در شرایطی که اقتصاد به عنوان موتور محرکه همگرایی در محاق فرورود، دیگر انگیزه‌های همگرایی از جمله سیاسی و امنیتی که از قبل تضعیف شده‌اند، از حمایت روند همگرایی اروپایی بازخواهند ماند. در حالی که خطر مشترک؛ یعنی اتحاد جماهیر شوروی سال‌ها است که از میان رفته، اما همچنان موضوعات امنیتی یکی از مهم‌ترین مخاطرات اتحادیه اروپا قلمداد می‌شود، چنان که می‌توان گفت؛ «پاشنه آشیل اتحادیه اروپا، مخاطرات امنیتی است» (میناوند، ۱۳۸۵: ۹۷). بر این مبنا، به نظر می‌رسد تأثیر تجربه‌های تلخ ناشی از قدرت گرفتن احزاب دست‌راستی افراطی و محکوم دانستن ایده‌های ملی‌گرایی افراطی نیز با گذشتن دهه‌ها از جنگ جهانی دوم به تدریج در حال از میان رفتن است. قدرت گرفتن نسبی احزاب ملی‌گرا در اروپا در سال‌های اخیر و شدت یافتن مواضع "اروپاگریزانه" در سطح کشورهای اروپایی بر اساس آمار معتبر^(۱۷) نشان از ظهور مجدد گرایش‌های دست‌راستی دارد که از یک سو، با ایده اتحادیه اروپایی در

تمامیت آن مخالف است و از سوی دیگر، یکی از انگیزه‌های ایجاد اتحادیه‌اروپایی، مقابله با ظهور چنین جریان‌هایی بوده است. در انتخابات ۲۰۱۴ پارلمان اروپا، این احزاب توانستند در مجموع یک‌چهارم آرای پارلمان اروپا را از آن خود کنند. در حالی که سازوکارهای اتحادیه‌اروپایی در کوتاه‌مدت فضای مانور اندکی به جریان‌های مخالف خود خواهند داد و نمایندگان راست افراطی مجبور خواهند شد در قالب‌های موجود که تقویت‌کننده فرایند همگرایی و نه برعکس آن هستند، فعالیت کنند، اما سازوکارهای نهادی می‌توانند در صورت ادامه قدرت گرفتن این جریان‌ها در سال‌های پیش رو دچار تعدیل و اصلاح شده و به‌این ترتیب، کارگزاران جدید ساختاری نو که تقویت‌کننده واگرایی باشد، طراحی کنند.

۸. سناریوی ادامه وضعیت همکاری و رقابت

در حالی که سناریوهای پیشین برای آینده مناسبات ایران و اتحادیه‌اروپایی قابل تصور است، به نظر می‌رسد تحقق ترکیبی از این سناریوها به معنای ادامه وضعیت همکاری-رقابت محتمل‌تر باشد. از یک سو، ایران و اتحادیه‌اروپایی به دلایل مختلف اقتصادی، سیاسی و امنیتی به یکدیگر نیاز خواهند داشت و از این رو، همکاری دو طرف به دلیل وجود منافع مشترک حاصل از آن غیرقابل چشم‌پوشی است. بنابراین در شرایط جدید در آسیب‌شناسی روابط ایران و اتحادیه‌اروپا به دو مقوله عوامل ایجابی (همانند گرایش و تمایل فرهنگ ایرانی به جامعه و فناوری اروپایی، ارتباطات اجتماعی کم‌سو و همبستگی اقتصادی نامتقارن) و عوامل سلبی (آمریکا، برنامه هسته‌ای ایران، تروریسم، اسرائیل و صلح خاورمیانه، حقوق بشر، اعراب و اسرائیل) باید توجهی ویژه داشت (خارقانی، ۱۳۸۸: ۳۲۲-۳۲۱). ایران به فناوری اروپا در فرایند توسعه خود نیاز خواهد داشت و در شرایط عدم دسترسی به فناوری‌های آمریکایی، اتحادیه‌اروپایی تأمین‌کننده بسیاری از ماشین‌آلات و ابزارهای صنعتی مورد نیاز ایران خواهد بود.

از دیگر سو، در حالی که نوعی تنش در روابط ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس متأثر از اختلافات سیاسی در آینده نیز ادامه خواهد داشت، ایران احتمالاً ناچار است همچنان به اتحادیه‌اروپایی به‌عنوان بازار بالقوه گاز و برخی از محصولات نیز بنگرد. این در حالی است که صادرات نفت، عمده مبادلات مربوط به انرژی را میان دو طرف دربر خواهد گرفت. در عین حال، این نیاز دوجانبه و عنصر همکاری متأثر از اختلافات دوجانبه بر سر موضوع هسته‌ای ایران، مسائل حقوق بشری و مداخله‌گری آمریکا هیچ‌گاه کامل و پایدار نخواهد بود. این بدان معنی است که از ظرفیت عنصر اقتصاد و تجارت در مناسبات دوجانبه به‌صورت کامل بهره‌برداری

نخواهد شد. شاید معلق ماندن وضعیت موافقتنامه تجارت آزاد^{۴۸} میان ایران و اتحادیه اروپایی را بتوان به‌عنوان شاخصی برای درک این وضعیت در نظر گرفت.

نگاره شماره (۵) - سناریوی ادامه وضعیت همکاری و رقابت

زیرمجموعه‌های متغیر	متغیر کلان
امنیت‌جویی ایرانیان و امنیت‌داری اروپاییان مؤثر در مؤلفه‌های امنیت‌آفرینی است - احساس ناامنی	حل‌شدن معضل «مفاهمه» در روابط ایران و اتحادیه اروپا
تضمین امنیت انرژی - سیر دفاع موشکی ناتو	احساس ناامنی دو طرف
روابط جداگانه آلمان - فرانسه و انگلیس با ایران	اثرگذاری دولت‌های ملی اروپا
دیپلماسی فرهنگی - گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی	دیپلماسی عمومی و قدرت نرم
رشد مسلمانان در اروپا در حدود ۲۰ درصد تا سال ۲۰۵۰ تخمین زده می‌شود.	جمعیت مسلمانان اروپا
حمایت ایران و اروپا از تثبیت وضع موجود - نیاز متقابل دو طرف به اقدامات امنیت‌ساز (SBMs) ^{۴۹}	واقعیت‌های قدرت، هویت، هنجارها و ارزش‌های جهان معاصر

همچنین عامل نیروی خارجی؛ یعنی ایالات متحده آمریکا می‌تواند به‌عنوان مانعی در گسترش مناسبات دوجانبه عمل کند، اما اتحادیه اروپایی مناسبات خود با ایران را تنها متأثر از متغیر ایالات متحده تنظیم نخواهد کرد. علاوه بر این، بهبود احتمالی روابط ایران و آمریکا و کاسته شدن از شدت جنگ لفظی و رقابت‌ها میان تهران و واشنگتن به دلیل احتمال اجرای کامل توافق جامع هسته‌ای، می‌تواند خود به‌عنوان عنصر تسهیل‌کننده مناسبات ایران و اتحادیه اروپایی عمل کند.

در این راستا باید به سناریوهای هویتی آینده اتحادیه اروپا هم توجه داشت. برخی از کارشناسان سناریوهای زیر را برای آینده اتحادیه اروپا مطرح کرده‌اند:

الف- تقویت قدرت پارلمان و سایر نهادهای اروپایی و حرکت اتحادیه اروپا به سمت یک رژیم فدرال مشابه با آلمان؛

ب- تفوق بیشتر عنصر بین‌المللی اتحادیه؛

ج- از بقیه محتمل‌تر آنکه، اتحادیه هویتی بینابینی را در میان این دو الگو حفظ خواهد کرد.

(قوام و کیانی ۱۳۹۰: ۳۱۵)

براساس موضوع بالا می‌توان امیدوار بود که شکل‌گیری روندهای میانه در اروپا و ایران دو

طرف را به سمت وسوی روندهای همکاری و رقابت سوق دهد.

48. Trade and Cooperation Agreement (TCA)

49. Security Buiding Measures (SBMs)

نتیجه‌گیری و پیشنهاد گفتگوهای بازدارنده

ایران و اتحادیه‌اروپا دو کنشگر مهم بین‌المللی در وضعیت حاضر و در چشم‌انداز پیش رو از منظر پویای روندهای راهبردی سیاسی، امنیتی، اقتصادی، انرژی و فرهنگی هستند. تحلیل روابط این دو بازیگر از منظر نظریه‌های گوناگون همانند واقع‌گرایی و شاخه‌های مختلف آن، سازه‌نگاری، لیبرالیسم و دیگر رویکردهای نظری روابط بین‌الملل قابل تبیین است. در این زمینه شاخصه‌های واقع‌گرایی و سازه‌نگاری گویای ابعاد مهمی از روابط این دو بازیگر هستند.

در سال‌های بعد از انقلاب شاخص‌های ماهوی و متغیر قابل توجهی در جهت‌دهی به رفتار این دو کنشگر نقش‌آفرین بوده‌اند. در این زمینه، نقش شاخص موضوع هسته‌ای در تنظیم روابط این دو کنشگر قابل توجه بوده و در طول بیش از ده‌سال گذشته روابط و مذاکرات هسته‌ای میان ایران و اتحادیه‌اروپا را هدایت کرده، شکل داده و در دوره‌های مختلفی متحول کرده است.

مبتنی بر یک نگاه آینده‌پژوهانه در وضعیت ترسیمی از آینده میان این دو کنشگر، همچنان موضوع هسته‌ای و مسئله تحریم‌ها مهم‌ترین موضوعات است. علاوه‌بر این، در تحلیل آینده روابط این دو بازیگر، نیروهای پیشران دیگری نیز وجود دارند که به برخی از آنها اشاره شد. با احتساب این نیروهای پیشران و با تحلیل وضعیت موجود روابط ایران و اتحادیه‌اروپا در مجموع می‌توان سناریوهایی را برای آینده روابط ایران و اتحادیه‌اروپا متصور شد. عمده این سناریوها سناریوی تعامل سازنده، سناریوی مدیریت خارجی، سناریوی فروپاشی و سناریوی ادامه همکاری و رقابت است. تحقق هر کدام از این سناریوها در آینده روابط ایران و اتحادیه‌اروپا، بستگی به‌ایفای نقش مؤثر بسیاری از شاخص‌های ثابت و متغیر در روابط دو طرف در چشم‌انداز پیش رو خواهد داشت. بر مبنای سناریوهای موجود در روابط دو طرف، پیشنهادهایی را در راستای تأمین منافع ملی ایران می‌توان به شرح زیر مطرح کرد:

۱- باز شدن باب «مذاکرات گفتگوهای بازدارنده» یکی از مهم‌ترین موضوعات در جهت‌دهی به روابط این دو کنشگر است که نمی‌تواند از «دستور کار» وزارت امور خارجه مغفول واقع شود.

۲- پیروزی نسبی ضداروپایی‌گرایان^{۵۰} در انتخابات پارلمانی اروپا در سال ۲۰۱۴، موجب تضعیف قدرت دولت‌های حاکم در اروپا خواهد شد. این موضوع می‌تواند موجب تضعیف اعمال سیاست‌های متحد دولت‌های حاکم در تعامل با ایران از طریق اتحادیه‌اروپا شود و

فضای کنش بیشتری برای دستگاه دیپلماسی کشور فراهم کند. شکست‌های نسبی دولت‌های حاکم در انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۴، راه را برای ایران در سیاست عدم‌مواجهه با اتحادیه‌اروپا و ایجاد تعامل جداگانه با کشورهای اروپایی هموار می‌کند. بنابراین پیگیری سیاست تعاملات مستقل با کشورهای اروپایی می‌تواند در فضای موجود بیشتر در دستور کار دستگاه سیاست‌خارجی کشور قرار گیرد.

۳- یکی از روندهای نوظهور در اتحادیه‌اروپا، فعال شدن بیشتر کلیسا در معادلات سیاسی است. بنابراین "دیپلماسی دینی" ایران در مواجهه با اتحادیه‌اروپا می‌تواند بیشتر از این در دستور کار دستگاه دیپلماسی کشور قرار گیرد. موضوع حقوق بشر دارای اهمیت کمتری برای اروپایی‌گیزانی است که در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ اتحادیه‌اروپا، اکثریت کرسی‌های پارلمان اروپا را تصاحب کردند. از این‌رو، پیش‌بینی می‌شود که در موضوعات حقوق بشری موضع ایران در مواجهه با دیدگاه اتحادیه‌اروپا در این زمینه تقویت شود. به‌ویژه انتظار می‌رود تا جایگاه گروهک منافقین در تعاملات درون پارلمان اروپا تضعیف شود. این نکته می‌تواند مورد توجه نهادهای حقوق‌بشری کشور قرار گیرد.

۴- انتظار می‌رود که دستگاه دیپلماسی کشور برای تعامل با اتحادیه و پارلمان اروپا و دیگر نهادهای قدرتمند اتحادیه‌اروپا در چشم‌انداز فرارو، دارای برنامه منسجم و مدون باشد. در این راستا، انتخاب سفرای مجرب در کشورهای مهم اتحادیه‌اروپا و همچنین نمایندگان ایران در نهادهای اروپایی پیشنهاد می‌شود.

۵- ایران متناسب با قدرت‌گیری احزاب دست‌راستی در کشورهای اروپایی در سال ۲۰۱۴ باید به درک جدیدتر و واقعی‌تری از جایگاه این احزاب و براساس برنامه‌ای منظم به برقراری روابط نوینی با این احزاب اقدام کند. از جمله پیشنهاد می‌شود که رابطه با احزاب نوظهور و قدرتمند که کمتر شناخته شده‌اند، مدنظر دستگاه دیپلماسی کشور قرار گیرد.

۶- در تعاملات آینده ایران و اتحادیه‌اروپا، موضوع دیپلماسی و دیپلماسی چندجانبه برای فائق‌آمدن بر محدودیت‌های ساختاری سیاست‌خارجی ایران امری مهم تلقی می‌شود. بنابراین جمهوری اسلامی ایران ضمن تقویت دیپلماسی خود در سطح نهادهای اتحادیه‌اروپا، موضوع فرستادن سفیر به اتحادیه‌اروپا و داشتن نمایندگی اتحادیه‌اروپا در تهران را مورد توجه بیشتری از جهت تأمین حداکثر منافع ملی کشور قرار دهد.

۷- روندهای موجود حکایت از آن دارد که "منافع مشترک ایران و اتحادیه‌اروپا" در تعامل و نه در تقابل یا حتی رقابت عمیق‌تر با یکدیگر در ساختار نظام بین‌الملل معنا می‌یابد. تأمل

بیشتر ایرانیان و اروپاییان در سه حوزه پایش و پژوهش هدفمند، حوزه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و حوزه عملیات و اجرا در مورد اهداف و دستورکارهای سیاست‌خارجی یکدیگر تأمین‌کننده حداکثر منافع دو طرف خواهد بود.

پانوشته‌ها:

۱. اتحادیه اروپا نهادی سیاسی با عضویت ۲۸ دولت ملی اروپایی است که این دولت‌ها از حقوق خود در طیف گسترده‌ای از مسائل به نفع جمع و در جهت اجرای سیاست‌گذاری‌های عمومی در راستای وحدت اروپا صرف نظر کرده اند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در حال حاضر عبارتند از: آلمان، فرانسه، ایتالیا، انگلیس، اسپانیا، لهستان، رومانی، هلند، بلژیک، جمهوری چک، یونان، مجارستان، پرتغال، اتریش، سوئد، بلغارستان، دانمارک، ایرلند، لیتوانی، اسلواکی، فنلاند، قبرس، استونی، لتونی، لوکزامبورگ، اسلونی، مالت و کرواسی. مهم‌ترین نهادهای اتحادیه اروپا شامل شورای سران، شورای وزیران، پارلمان، کمیسیون و دیوان دادگستری است.
۲. مهم‌ترین اهداف اتحادیه اروپا در نظام بین‌الملل شامل این موارد است: تقویت دموکراسی و احترام به حقوق بشر، حفظ ثبات در حوزه‌های پیرامونی، تبدیل اروپا به یک بازیگر جهانی، تجهیز اتحادیه اروپا به ابزارهای پیگیری و مدیریت بحران، تحقق جهان چندقطبی، حل و فصل مسالمت‌آمیز منازعات، مقابله جمعی با چالش‌های عمده جهانی و همگرایی اقتصادی کشورهای اروپایی.
- مطابق نظر کنت‌والتر، ساختار نظام بین‌الملل از سه جزء تشکیل شده است: اصل سازمان‌دهنده (Organizing Principle)، تفاوت و گوناگونی واحدها و مشخص بودن کارویژه‌های آنها (Differentiation of Unites) و توزیع توانایی میان واحدها (Distributions of Capabilities).
۴. البته مقامات شورمان از مقام معظم رهبری تا رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه و دیگر مقامات اجرایی بارها تأکید کرده‌اند که دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، هرگز جزء اهداف برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نبوده و نیست. فتوای مقام معظم رهبری نیز مبنی بر حرمت ساخت، تولید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مؤید همین موضوع است.
۵. در این زمینه مخصوصاً باید نقش ناتو و اثرگذاری آن در معادلات و روابط آتی ایران و اتحادیه اروپا باید مورد توجه جدی قرار گیرد.
6. EU Strategy against proliferation of weapons of mass destruction, can be access in: <http://ue.eu.int/uedocs/cmsUpload/st15708.en03.pdf>
http://www.sipri.org/contents/expcon/eu_WMD_strategy.pdf
۷. همان‌گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای هیچ‌گاه جزء اهداف برنامه هسته‌ای شورمان نبوده است و چنین اتهامی و ادعایی از سوی محافل دانشگاهی و آکادمیک غربی و مقامات این کشورها مطرح می‌شود.
8. http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaearan/statement_iran21102003.shtml
9. http://www.iaea.org/newscenter/focus/iaearan/eu_iran14112004.shtml
۱۰. نام این گروه پس از بحران اوکراین و اخراج روسیه از آن، به‌مانند گذشته دورتر به گروه هفت تغییر یافت.

۱۱ اتحادیه‌اروپایی در بحران بهار عربی هم عملکردی همانند مدیریت موضوع هسته‌ای ایران داشت. در طول بحران عربی هم، اتحادیه‌اروپا به‌صورت مرحله‌ای با حمایت از دیکتاتورها و ثبات امنیتی-اقتصادی در مراحل بعدی بحران سعی کرد طرفین را به خویش‌تنداری دعوت کند و در مراحل بعدی با ارزیابی اقدامات و همراهی با مداخله نظامی در کشورهای شمال آفریقا سعی نمود مدیریت بحران را در دست بگیرد که البته ناکام بود و در ادامه این اتحادیه سعی کرد از طریق سیاست‌هایی همانند تحریم و مداخله نظامی آنها را مدیریت نماید. عملیات ناتو در لیبی از سوی بسیاری از ناظران به‌مثابه پایان اثربخشی و موفقیت یکی از آرمانی‌ترین سیاست‌های اتحادیه‌اروپا یعنی ESDP بود.

12. http://ec.europa.eu/news/eu_explained/131120_en.htm

۱۳. در پایگاه اینترنتی زیر کلیه تحریم‌های اتحادیه‌اروپا در ارتباط با ایران قابل دسترسی است:
<http://europeansanctions.com/eu-sanctions-in-force/iran/#print>

۱۴ برای آگاهی از مصرف انواع حامل‌های انرژی در کشورهای مختلف اتحادیه‌اروپا در سال ۲۰۱۲ به آدرس زیر رجوع شود:

http://www.bbc.co.uk/persian/business/2014/06/140619_an_american_energy_independence.shtml

۱۵. برای آگاهی از مصرف انواع حامل‌های انرژی در کشورهای مختلف اتحادیه‌اروپا در سال ۲۰۱۲ به آدرس زیر رجوع شود:

http://www.bbc.co.uk/persian/business/2014/06/140619_an_american_energy_independence.shtml

16. S/RES/1696 (2006); S/RES/1737 (2006); S/RES/1747 (2007); S/RES/1803 (2008); S/RES/1835 (2008); S/RES/1929 (2009); S/RES/1984 (2011)

۱۷. نظرسنجی‌ها نشان‌دهنده افزایش میزان بدبینی به اتحادیه‌اروپا در کشورهای مختلف اروپایی است. در کشورهایی که دچار بحران اقتصادی بوده‌اند، به‌ویژه یونان، قبرس و پرتغال، برنامه‌های ریاضت اقتصادی اعمال شده از سوی اتحادیه‌اروپا و صندوق بین‌المللی پول سبب ایجاد نگرش منفی نسبت به اتحادیه‌اروپا شده است.

http://www.bbc.co.uk/persian/world/2014/05/140523_eu_big_issues.shtml

منابع فارسی

ابراهیمی، شهروز و دیگران (۱۳۹۱)، نقش آمریکا در شکنندگی روابط ایران و اروپا در: **ایران و**

اتحادیه‌اروپا: تجارب و چشم‌اندازها، جلد دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت

امور خارجه جمهوری اسلامی ایران انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران.

امیدی، علی (۱۳۸۷)، ضرورت توجه به فشارها و فرصت‌های نظام بین‌الملل در هدایت سیاست خارجی

توسعه‌گرا در **مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا**، محمود واعظی، تهران: پژوهشکده

تحقیقات استراتژیک.

ایزدی، پیروز (پاییز ۱۳۹۲)، "تأملاتی در خصوص آینده اتحادیه‌اروپا در پرتو بحران موجود"، **راهبرد**،

سال بیست‌ودوم، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص نظام، ۶۸: ۲۰۶-۱۸۱.

- ایزدی، پیروز، (تابستان ۱۳۸۷)، "معاهده لیسبون: گامی دیگر در وحدت اروپا"، *راهبرد*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۴۷: ۴۲۹-۴۰۹.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱)، *تاریخ ایران مدرن*، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- البرادعی، محمد، (۱۳۹۲)، *عصر فریب*، ترجمه فیروزه درشتی، تهران: مؤسسه ایران.
- پیس، کلی-کیت اس (۱۳۸۴)، *سازمان‌های بین‌المللی*، ترجمه: دکتر حسین شریفی طراز کوهی، تهران: میزان، چاپ اول، بهار: ۷۳-۷۲.
- جاویدنیا، کیومرث (آذر ۱۳۸۲)، "گسترش ناتو به شرق و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، *کتاب اروپا (۲)* (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا)، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، آذر: ۱۹۰.
- حاجیانی، ابراهیم (تابستان ۱۳۹۰)، "معیارهای ارزیابی روش‌شناختی تکنیک‌های مطالعات آینده"، *راهبرد*، تهران، شماره ۵۹: ۱۰۵-۷۷.
- خارقانی، سید شمس‌الدین (۱۳۸۸)، *روابط ایران و اتحادیه اروپا بی؛ قابلیت‌ها و محدودیت‌ها*. تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک، ۳۳۴-۳۳۳.
- خالوزاده، سعید، (۱۳۸۳)، *اتحادیه اروپا، دستاوردها و چالش‌ها*. تهران: سمت.
- خامه‌چی، محسن (۱۳۹۱)، نقش رژیم صهیونیستی در مناسبات جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا، *در ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها*، جلد دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
- خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۷)، *رویکرد اتحادیه اروپا به موضوع هسته‌ای ایران، رویکرد قدرت‌های بزرگ به موضوع هسته‌ای ایران*. رحمان قهرمان‌پور، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز تحقیقات استراتژیک.
- خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۹۱)، جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا بعد از خیزش‌های مردمی: تحولات روابط و چشم‌اندازهای پیش‌رو، *ایران و اتحادیه اروپا: تجارب و چشم‌اندازها*. جلد اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خوش‌اندام، بهزاد (شهریور ۱۳۸۸)، اتحادیه برای مدیترانه: پیشینه، ابعاد و چشم‌اندازها، *پژوهش‌نامه سازمان‌های بین‌المللی ۵*، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک: ۸۶-۶۳.
- خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۶)، واکنش ایران به رژیم بین‌المللی کنترل و منع اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی، *پژوهش‌نامه خلع سلاح*، شماره ۲، تهران: پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۸۶)، *مدیریت بحران هسته‌ای ایران از منظر اتحادیه اروپا و گزینه‌های جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

خوش‌اندام، بهزاد (۱۳۹۰)، "جایگاه ایران در رویکرد فرامنطقه‌ای ناتو: ابعاد و چالش‌ها"، **مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرامنطقه‌ای ناتو: چالش‌های فرارو**، تهران: وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

رحمانی، علی و سعید تائب (۱۳۷۵)، **گفت‌وگوهای ایران و اروپا**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

روحانی، حسن (۱۳۹۲)، **دولت تدبیر و امید**، تهران: برنامه دولت تدبیر و امید.

روحانی، حسن (۱۳۹۱)، **امنیت ملی و دیپلماسی هسته‌ای**، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

صادقی، شمس‌الدین (پاییز ۱۳۹۲)، "ژئوپلیتیک انرژی ایران و رویکرد اتحادیه اروپا"، **سازمان‌های بین‌المللی**، سال اول، شماره سوم: ۱۵۱-۱۲۱.

طباطبایی، سید علی (۱۳۸۵)، "لابی یهودیان آمریکا، کارگزار تحریم ایران"، **سیاست خارجی**، سال بیستم، شماره ۱، ۸۳-۳۳.

عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۴)، **امنیت بین‌الملل (۲)**، فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران: ۸۲.

قوام، عبدالعلی و داود کیانی (۱۳۹۰)، **اتحادیه اروپا؛ هویت، امنیت و سیاست**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: سمت.

معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل (۱۳۸۵)، "دیپلماسی هسته‌ای؛ ۶۷۸ روز مدیریت بحران"، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.

مولایی، عبدالله (پاییز ۱۳۸۹)، "روایت پست‌مدرن هویت بین‌الملل اتحادیه اروپا"، **راهبرد**، ۵۶: ۱۳۶-۱۰۹.

میناوند، محمدقلی (۱۳۸۵)، **ایران و اتحادیه اروپا: کنکاشی در سیاست‌گذاری‌ها**، تهران: مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.

ویژه‌نامه دیپلماتیک خراسان (۱۳۹۳)، راهبرد اروپای دوم.

منابع لاتین

Bassiri Tabrizi, Aniseh (2014), "The EU s Sanction Regime Against Iran in the Aftermath of the JPA", *European Council of Foreign Relations*.

Betts, Richard K, (2013), "The Lost Logic of Deterrence", *Foreign Affairs*, March/April.

- Blackwill, Robert D and Meghan O'Sullivan (2014), "America's Energy Edge", *Foreign Affairs*, March/April.
- Dadandish, Parvin, (2012), "Iran-Europe Relations: A Diagnostic Analysis", *Iranian Review of Foreign Affairs*, Vol.3, No.1, Spring
<http://www.isrjournals.ir/fa/archive/iranian-review-of-foreign-affairs/year-3-no-1-spring-2012/995-iran-europe-relations-a-diagnostic-analysis.html>
- Fuller, Graham, (1991), "*The Center of the Universe*": The Geopolitics of Iran, *Westview Press*.
- Haass, Richard, (2008), "The Age of Nonpolarity", *Foreign Affairs*.
- Kahl, Colin and Waltz, Kenneth, (2012), "Iran and the Bomb Would a Nuclear Iran Make the Middle East More Secure?", *Foreign Affairs*, 91(5).
- Kile N, Shannonn (2005), *Europe and Iran: Perspectives on Non-proliferation*, Oxford: Oxford University Press.
- Kymlicka, Will (1995), *Multicultural Citizenship: A liberal Theory of Minority Rights*, Oxford: Oxford University Press.
- Rifkin, Jeremy, (2005), *The European Dream: How Europe's View of the Future is Eclipsing the American Dream*, Oxford: Polity Press.
- Russell, James A, (2006), *Proliferation of Weapons of Mass Destruction in the Middle East*, New York: Palgrave Macmillan.
- Schulte, Gregory L, (2010), "Stopping Proliferation Before it Starts: How to Prevent the Next Nuclear Wave", *Foreign Affairs*.
- Svein S. Andersen and Kjell A. Eliassen (eds) (1996), *The European Union: How Democratic Is it?*, London: Sage: 227-252.
- Waltz, Kenneth N (2012), "Why Iran Should Get the Bomb: Nuclear Balancing Would Mean Stability", *Foreign Affairs* .
- White, Brian, Richard Little, Michael Smith (2006), *Issues in World Politics*, New York: Palgrave Macmillan.
- Zarif, Mohammad Javad (2014), "What Iran Really Wants", *Foreign Affairs*, May-June.